دعوا کنیم یا گفتگو

گزارش از محمد محمدی

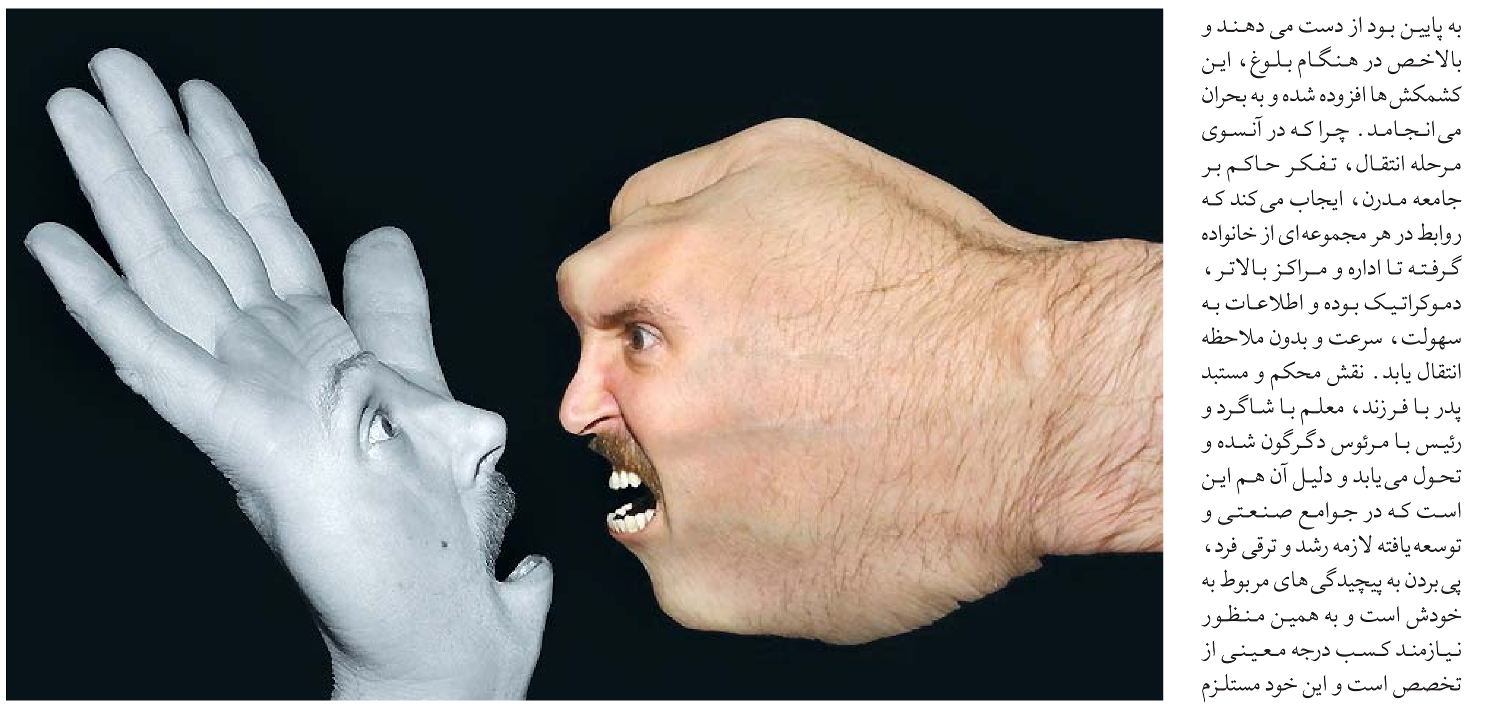

تکیه زده بر مسندی که از نسل‌های پیش برایش به ارث مانده. با کلامی که هنوز طنین صدای پدرش را در آن می‌شنود، متین و شمرده، پسرش را نصیحت می‌کند. سعی می‌کند قاطعیت و صلابت را به مهر و دلواپسی بیامیزد تا نوشیدن این معجون تلخ برای فرزندش دشوار نباشد. با هر جمله، به فرزندش می‌نگرد که چشمانش را بر فرش هزار رنگ کف اتاق دوخته است و می‌پندارد، کلامش، مثل قطره چکانی، تجربه‌ها و اندوخته‌هایش را در درون وجود فرزندش می‌ریزد و در ذهنش تاثیری عمیق برجای می‌گذارد. سخن به درازا می‌کشد و ناگهان کلام پسر، رشته تمام باورهایش را قیچی می‌کند: «پدرجان! لطفا خلاصه‌اش کن، الان مسابقه فوتبال شروع می‌شود!!!»

اصطلاحی است در میان عامه که مفهومش «زبان یکدیگر را نفهمیدن» است. این اصطلاح به نوعی بیانگر عدم تفاهم و ارتباط میان دو نفر است که قادر به کسب نتیجه‌ای منطقی و توام با تفاهم در یک گفتگو نیستند. وقتی از زاویه‌ای فراتر به زندگی‌های اجتماعی می‌نگریم، این اصطلاح، مصداق عمومی‌تری می‌یابد. گروهی نمی‌خواهند و گروهی نمی‌توانند که این ارتباط سالم و سازنده را برقرار کنند و به توافق برسند. دکتر داریوش حیدری، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در تشریح دلایل و پیامدهای این عدم ارتباط می‌گوید: به نظر آنچه باعث ایجاد چنین شکافی در مفاهمه جمعی شده است مربوط به وضعیت فعلی تاریخی- اجتماعی ماست. دوره‌ای که اکنون جامعه ما در آن به سر می‌برد دوره انتقال از یک جامعه سنتی به یک جامعه صنعتی است و معمولا اکثر جوامعی که در چنین مرحله‌ای هستند، کمابیش دچار چنین وضعیتی شده‌اند. به طور عمده، زمانی که جوامع کلاسیک به سمت صنعتی شدن گام برمی‌داشتند، تمام دگرگونی‌هایی که به وجود می‌آوردند و یا حداقل بخش اعظم آن، «درون‌زا» بود و همین درون‌زایی دگرگونی‌ها که مرتبط با فرهنگ تاریخی آنها بود، دوره انتقال را برایشان ساده‌تر می‌ساخت. به عنوان مثال، از جمله شرایطی که این جوامع داشتند، می‌توان به مستعمراتی بودن آنها اشاره کرد جمعیت مازادی که معمولا در مرحله انتقال، به دلیل مهار مرگ و میر از یک سو و روند کند ناشده زادوولد مخصوصا در روستاها، از سوی دیگر ایجاد می‌شود، با هجوم از مناطق حاشیه‌ای به مراکز شهرها و حرکت از سمت این کشورها به سوی مراکز صنعتی جهان، زمینه‌ساز بحرانی می‌گردد که کشورهای مستعمراتی با ریختن این مازاد در داخل کشورهای تحت مستعمره، درصدد کاهش شدت این بحران برمی‌آمدند.» بر این اساس، دوره انتقال، همچون دوره نقاهت یک بیمار، حساس و شکننده است و بدن در مقابل بیماری‌ها، بی دفاع و مکانیسم دفاعی‌اش سرگرم پاکسازی و ترمیم اندام‌های آسیب‌دیده درونی است و فرصتی برای تمرکز بر روی محیط پیرامون ندارد. دکتر حیدری در ادامه می‌افزاید: «مادامیکه رشد جمعیت ساکن است، معمولا افراد از سنت پیروی می‌کنند. اما زمانی که جمعیت به حرکت افتاد و موج جمعیتی ایجاد شد و مرحله انتقال آغاز گشت، پیشگامانی پیدا می‌شوند که سد سنت‌ها را برای رسیدن به مرحله صنعتی شدن می‌شکنند و بعد از طی دوره انتقال که موج جمعیتی فروکش کرد و رفاه به تدریج در جامعه صنعتی ایجاد شد و شبکه‌های ارتباط جمعی گسترش یافت و مطالعه، منبع کسب اطلاعات گردید، روابط شکل جدید و منطقی‌تری به خود می‌گیرد. پیشگامانی که این جامعه‌شناس به آنها اشاره می‌کند در دوران انتقال، با درونی کردن بخشی از ارزش‌ها، راه گذر از این مرحله را به دیگران نشان می‌دهند و بعد از پایان دوره نقاهت، سکان هدایت به دست کسانی می‌افتد که در خارج از محدوده پیرامون، دسترسی بیشتر و قوی‌تری به سیستم‌های ارتباط جمعی دارند. دکتر حیدری در خصوص جامعه فعلی ما می‌گوید: «جامعه ما هنوز در مرحله انتقالی به سر می‌برد. رشد جمعیت همچنان ادامه دارد و حرکت جمعیت هنوز از روستا به شهر و از حاشیه به مرکز و از داخل به خارج است. اما از سوی دیگر، ماهیت جامعه صنعتی، انتقال سریع و راحت اطلاعات و فرهنگ غالب، مطالعه و گسترش تکنولوژی ارتباطات و رسانه‌های جمعی است که به نظر در جامعه ما هنوز با مشکل مواجه است و فرهنگ شفاهی هنوز در بسیاری از بخش‌ها قوی‌تر از فرهنگ کتبی است و بافت اجتماعی هنوز اسیر روابط سنتی قدیمی می‌باشد و این باعث دو قطبی شدن جامعه به ویژه در شهرهای بزرگ شده است.»

دکتر «دیوید راشمین» در کتاب «انبوه تنها» با تحلیلی موشکافانه، خصوصیات جوامعی که مستعد عبور از دوره انتقال هستند را چنین توصیف می‌کند: این جوامع نسبتا سیر و برخوردار از انبوه فرآورده‌های تولیدی می‌باشند که این برخورداری هماهنگ با تبلیغات رسانه‌های ارتباط جمعی آنها را به مصرف بیشتر ترغیب می‌نماید و این فرهنگ مصرفی علاوه بر کالاهای اقتصادی، محصولات فرهنگی و اطلاعات بیرونی را نیز شامل می‌شود. ویژگیهایی که متاسفانه، هنوز جامعه ما آنها را دربرنگرفته است و گویا دوره انتقالی ما که ناگزیر از طی آنیم با نوعی کندی حرکت روبه رو شده است. دکتر حیدری تاثیر این روند را بر مجموعه‌های کوچک اجتماعی چنین متذکر می‌شود: به عنوان مثال در یک خانواده، مخصوصا در شرایطی که فرزند اجتماعی‌شدن اولیه را سپری می‌کند یعنی در همان سنین قبل از مدرسه مشاهده می‌شود که دیگر آن سنت قدیم، اثر کنترل‌کنندگی خود را بر رفتار از دست داده است. پدر، دیگر یک فرمانروای مطلق نیست و شرایط زندگی در اکثر خانواده‌ها، در برخورد با مشکلات اقتصادی هویت پدرسالاری را تحت‌الشعاع قرار داده است و نتیجه این فرآیند، ایجاد نوعی آشفتگی و بلاتکلیفی در روابط والدین و فرزندان شده است و همچنانکه در مراوده‌ها، هنجارها روابط را تنظیم می‌کنند، افراد یک خانواده نیز، هویت خود را به کمک هنجارها می‌یابند. این جامعه‌شناس در توضیح مطلب فوق می‌افزاید: «هنجار این نیست که فقط به ما قاعده رفتار ساده را بیاموزد این بخشی از آن است اما جزو دیگرش هم این است که ما بخواهیم به پرسش‌های کلی پاسخ بگوئیم. مثل این پرسش که ما کیستیم؟ این را نیز هنجار تعیین می‌کند. این هنجارها زمانی که به هم بریزد موجب می‌شود هیچ کس تکلیف خود را نداند. فرزند و پدر و مادر بلاتکلیف می‌شوند و راه گفتگو با یکدیگر را که زمانی از بالا به پایین بود از دست می‌دهند و بالاخص در هنگام بلوغ، این کشمکش‌ها افزوده شده و به بحران می‌انجامد. چرا که در آنسوی مرحله انتقال، تفکر حاکم بر جامعه مدرن، ایجاب می‌کند که روابط در هر مجموعه‌ای از خانواده گرفته تا اداره و مراکز بالاتر، دموکراتیک بوده و اطلاعات به سهولت، سرعت و بدون ملاحظه انتقال یابد. نقش محکم و مستبد پدر با فرزند، معلم با شاگرد و رئیس با مرئوس دگرگون شده و تحول می‌یابد و دلیل آن هم این است که در جوامع صنعتی و توسعه‌یافته لازمه رشد و ترقی فرد، پی بردن به پیچیدگی‌های مربوط به خودش است و به همین منظور نیازمند کسب درجه معینی از تخصص است و این خود مستلزم فرصت‌های مطالعاتی و امکانات آموزشی است و جایگاهی که بتوان براساس تخصص در آنجا مشغول به کار شد و تمام این‌ها جز در فضا و شرایطی که روابط دموکراتیک بر آن حاکم است، امکانپذیر نمی‌باشد.

تو را می‌طلبم، ای دورترین نزدیک!

در چشمایش آثار خستگی، عصبیت و خشم موج می‌زند. نگاهش را از شیشه شفاف قطار به بیرون دوخته و در پشت تصویری از کوه و دشت که با شتاب از مقابل او می‌گریزند به برخوردهای زشت گروهی از مسافران می‌اندیشد. آنهایی که در ایستگاه بین راه به زور وارد قطار شدند و راهروهای تنگ آن را اشغال کرده‌اند. خواهش‌های او که آنان را به راهروهای انتهایی دعوت می‌کرد بی‌نتیجه مانده بود و در عوض سیل متلک‌های رکیک در شلوغی جمعیت نثارش می‌شد. آنقدر تجربه داشت که این سخنان را نشنیده بگیرد و آنقدر بزرگ بود که آنان را به خاطر جوانی‌شان ببخشد، اما عصبیت مثل زهری که در احساساتش رسوب کرده باشد، ته معده‌اش را می‌سوزاند. چرا حرف او را نمی‌فهمیدند، چرا عقده کمبودهایی که مقصرش کس دیگری بود را سر او خالی می‌کردند؟! چرا اینقدر کینه‌جویانه به هم می‌نگریستند؟! چرا...؟!

ارتباط نتیجه اعتماد است. چه اعتماد به شنیدن برای سخن گفتن. چه اعتماد به دوستی برای مهرورزیدن و چه اعتماد به شریک برای روابط اقتصادی. وقتی روابط سرد می‌شود، بایستی به کم‌رنگی این شرط اساسی یعنی اعتماد، بیش از هر چیز دیگری توجه کرد. آیا عدم ارتباط عاطفی پدر و فرزند، نتیجه کاهش اعتماد آن دو به یکدیگر است؟ آیا دیوار اعتماد میان استاد و دانشجو فرو ریخته که فقط دو عامل حقوق و مدرک آنها را به هم پیوند می‌زند؟ آیا یک مدیر و یک کارگر اعتماد را از دریچه چشم دیگری می‌نگرند یا فقط جایگاه آن دو است که سقف و سهم این اعتماد را تعیین می‌کند؟!

کارگری سال‌ها پیش می‌گفت: «مدیران قادر به درک وضعیت ما نیستند، در این شرکت، هیچکس ما را نمی‌بیند» و همین کارگر، سال‌ها بعد که به مقام مدیریت یکی از واحدها رسید به دوست و همکارش توضیح می‌داد: «مبادا به کارگر رو بدهی. طایفه کارگر تا ببیند به او می‌خندی سوارت می‌شود»این شیوه ارتباط در تمام لایه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نیز پراکنده و جاری است. سربازان با فرماندهان خود، دانش‌آموزان با معلمین و مدیران مدارس، مسئولان اجرایی و روسای ادارات با کارمندان و مشتریان و...

یکی از اساتید دانشگاه و پژوهشگران مسائل اقتصادی در خصوص این عدم تفاهم که منجر به دور شدن افراد جامعه از یکدیگر می‌شود می‌گوید: «در جامعه ما، الگوهای ذهنی تعیین‌کننده حد و مرز روابط هستند به عنوان مثال مادامیکه تصور مسئولان از طبقه نخبه جامعه، پیروی و تائید دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات آنان باشد هیچگونه رابطه دوستانه‌ای بین دانشگاه، ستادهای سیاستگذار و مراکز اجرایی و صنعتی ایجاد نشده و برعکس از یکدیگر نیز فاصله می‌گیرند. به عنوان مثال در بیشتر سمینارهای مهم اقتصادی و اجتماعی ملاحظه می‌گردد که علیرغم حضور نخبگان دانشگاهی و اساتید برجسته داخلی و خارجی، مسئولان عالی‌رتبه اجرایی که اصولا این سمینارها برای تاثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری و سیاستگذاری دستگاه‌های تابعه آنان است، فقط ده دقیقه نخست در سمینار حاضر شده که آنهم صرف سخنرانی تکراری و کلیشه‌ای می‌شود و بعد بلافاصله سمینار را ترک می‌گویند و به دنبالشان معاونان و برخی از مقامات دیگر نیز خارج می‌شوند.

وی اضافه می‌کند: در چنین وضعیتی آیا انرژی و انگیزه برای بهبود در فرآیند برگزاری سمینارها باقی می‌ماند و اینچنین است که از دل هزاران سمینار و سمپوزیوم و کنفرانس و همایش و نشست یک نتیجه خوب و مطلوب به دست نمی‌آید. وقتی کسی ارزش و اعتبار کافی برای شنیدن کلام دانشمندان قائل نیست آیا برای اجرای پیشنهادها و دیدگاه‌های این کارشناسان اهمیت و جدیت به خرج می‌دهد؟!

وقتی رئیس جمهور ایران طرح «گفتگوی تمدن‌ها» را مطرح کرد، بسیاری از نخبگان که تشنه این گونه از ارتباطها بودند به آینده این طرح خوشبین شدند. اما گویا پیش از دعوت به گفتگو، باید اصولا گفتگو را تعریف کرد. به راستی تعریف ما از گفتگو چیست؟!

اگر از ترجمه‌های کلیشه‌ای خارج شویم، به نظر گفتگو بیش از هر چیز به معنی شنیدن آن چیزی است که ما می‌گوئیم. تقاضایی برای ارتباط یک‌جانبه که یکنفر گوینده و بقیه مخاطب می‌شوند. به عنوان مثال تلویزیون در سراسر دنیا، اعتقاد به گفتگویی یک جانبه دارد. رسانه‌های جمعی فقط آن چیزی را منعکس می‌کنند که مطابق با دیدگاه‌های آنان است.

سیب سرخ گفتگو

دختر دانشجویی می‌گوید: گاهی وقتی نصایح مستقیم در یک فیلم یا یک گزارش را می‌بینم، احساس حماقت می‌کنم. اما از این عصبانی‌تر می‌شوم که گوینده را فردی احساس می‌کنم که مرا احمق فرض کرده است. دکتر هانیه چرخچی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در این زمینه به نکته مهمی اشاره می‌کند: از جمله شرایط ارتباط، موازنه در گفتگو است به نحوی که معمولا این مسئله به صورت پرسش، امر و خواهش بین طرفین تقسیم می‌شود. اگر این موازنه بین دو طرف برقرار نشود، روابط خصمانه می‌گردد و آنگاه دیگر گفتگو امکانپذیر نیست. در علم بالینی نیز یکی از موثرترین راه‌ها برای کاهش تنش‌ها و فشارهای روانی، گفتگوی مستقیم و چهره به چهره است که به تخلیه روانی منجر می‌گردد. اما در فرهنگ عامه به کسی مصاحب و هم صحبت خوب می‌گوئیم که شنونده صبوری برای ما باشد. دکتر راوراد نیز می‌گوید: «نصیحت مستقیم به نوعی مخاطب را تحت فشار قرار می‌دهد که آن را بپذیرد و آثار ماندگار هنری که مخاطب را در پشت میز یا کنج اتاق گیر نمی‌اندازد و خطابه به خوردش نمی‌دهد، با ظرافت، بر آگاهی فرد می‌افزاید به طوری که اعتماد او را برانگیخته و در طول گفتگو او را با خود همراه می‌سازد. ویتامینی که به طور مستقیم واز طریق تزریق آمپول وارد بدن شود با سوزش و درد و مقاومت همراه خواهد بود، اما سیبی که سرخ و شاداب و سرشار از ویتامین است، دست را پیش می‌راند و اشتها را برمی‌انگیزاند تا برای خوردنش تقلا کند.

انقطاع نسلها

یک استاد دانشگاه تهران در این خصوص معتقد است: «تربیت در اکثر جوامع، تعیین‌کننده فاصله بین افراد و افکار است. نسل پدران ممکن است سنت‌گرا، گذشته‌گرا و به همان نسبت قدرت‌گرا باشد، در حالیکه نسل فرزندان، تحت تاثیر عوامل ارتباط جمعی و آموزش و مطالعه ممکن است معطوف به تجربیات جدیدی باشد که با تفکر پیشینیان متفاوت است و همین تفاوت موجب فاصله در ارتباط این دو نسل می‌شود و انقطاع نسل‌ها را موجب می‌گردد. وی ادامه می‌دهد: عوامل متعددی در ایجاد ارتباط دخیل بوده و بر فرآیند رابطه تاثیر می‌گذارند، مشروط بر آنکه اولا بستر مناسب و مشروعیت کافی وجود داشته باشد و ثانیا ایجاد رابطه، یک طرفه و یک سویه نباشد.

بسیاری رابطه را یک نیاز می‌دانند، اما فقط نیاز به رفع تنهایی، در حالیکه رابطه موجب هم‌افزایی انرژی و افزایش تصاعدی قدرت می‌شود. آنانی که رابطه را با مفهوم عمیق‌تری جستجو می‌کنند به قدرت اعجاب‌آور آن ایمان دارند و می‌دانند که در پناه این ارتباط سالم و دو سویه است که ناممکن‌ها، ممکن و شرایط برای زیستن مطلوب‌تر می‌شود. سازمان‌های پیشرو این قابلیت را درک کرده‌اند و جوامع پیشتاز نیز به این واقعیت رسیده‌اند.

- **● یک جامعه شناس: فرهنگ شفاهی هنوز در بسیاری از بخشها قوی‌تر از فرهنگ کتبی است و بافت اجتماعی هنوز اسیر روابط قدیمی می باشد که این باعث دو قطبی شدن جامعه شده است**
- **● کارگری سالها پیش می گفت: در این شرکت هیچکس ما را نمی بیند و همین کارگر سال ها بعد که به مقام مدیریت یکی از واحدها رسید به همکارش توضیح می داد: مبادا به کارگر رو بدهی**
- **● یک استاد دانشگاه: اگر موازنه در گفتگو بین دو طرف برقرار نشود، روابط خصمانه می گردد و آنگاه دیگر گفتگو امکان پذیر نیست**
- **● یک کارشناس علوم اجتماعی: تربیت در اکثر جوامع، تعیین کننده فاصله بین افراد و افکار است**

گزارش در مطبوعات

یادش به خیر دوچرخه

روزنامه جوان با این تیتر در صفحه گزارش خود می‌نویسد: دوچرخه برای کودکان و نوجوانان وسیله‌ای برای آموزش ورود به زندگی اجتماعی وتمرین آن بود و نوجوانان برای دستیابی به آن حاضر بودند تمام حرف‌های اولیای خود را مو به مو گوش کنند. دوچرخه‌های امروز که شیک‌تر و متنوع‌تر از دوچرخه‌های قدیمی هستند. عرصه را به موتورسیکلت‌ها و انواع ماشین‌های شخصی واگذار کرده‌اند.

همسفر مرگ

روزنامه ایران با این تیتر در صفحه گزارش خود می‌نویسد: بروز و شیوع ناهنجاریهای اجتماعی در میان جوانان ادامه دارد و این در حالی است که مصرف داروهای روان‌گردان ابعاد تازه‌تری یافته است.

با کاهش قیمت این قرص‌ها از ۱۰ هزار تومان به ۳۰۰ تومان جوانان زیادی برای رهایی از قیدهای ذهنی و باورهای رسمی جامعه به مصرف این قرص‌ها تمایل پیدا کرده‌اند. آنها «اکس» مصرف می‌کنند تا شاد شوند و نیروی مضاعف پیدا کنند.

مردم تکلیف همه را تعیین کردند

روزنامه کیهان با این تیتر در صفحه گزارش خود می‌نویسد: یک انتخاب ملی که برای انتخاب نمایندگان مردم در اداره امور کشور و مجلس قانونگذاری برگزار می‌شود، هم نتیجه‌اش یعنی کسانی که رای آورده‌اند، پیام دارد و هم میزان آرایی که به صندوق‌های رای ریخته شده است به ویژه اگر هم میزان مشارکت مردم و هم نتیجه انتخابات با پیش بینی‌های دوست و دشمن متفاوت باشد در آن صورت پیام انتخابات شنیدنی‌تر می‌شود.

گزارش‌های مطبوعات جهان

گروه ترجمه- حق پرست

به روی تاریک زندگی هم نگاهی بیندازید

گاردین- در داستان‌های کودکان تاثیر طلاق و ناسازگاری‌های والدین، پیامدهای هولناک بیکار شدن پدر، تشویش مشاهده صحنه از دست دادن بهترین دوست و وضعیت فلاکت‌بار پرورشگاه‌ها از جمله ماجراهای لاینفک قصه است البته همه چیز در نهایت به خوبی و خوشی تمام می‌شود اما حقیقتا فایده به تصویر کشیدن این صحنه‌های تیره و تار چیست. چرا در بهترین آثار کلاسیک کودکان همواره روی تاریک زندگی یادآوری می‌شود و با استقبال نیز مواجه می‌گردد؟ در اکثر این داستان‌ها حماقت‌های بیرحمانه دنیای بزرگسالان از دید کودکان توصیف می‌شود. برخی از والدین ترجیح می‌دهند برای فرزندانشان کتاب‌هایی تهیه کنند که دارای مضمون خوش‌بینانه‌تر باشد اما موفقیت شاهکارهای ادبی که به مفاهیم تیره و تار زندگی می‌پردازند، بیانگر آن است که کودکان بطور غریزی می‌دانند که چه چیز برایشان خوب است.

آنان باطنا بدین نتیجه رسیده‌اند که ترس‌ها و نگرانی‌هایشان وقتی بدین گونه عیان می‌شود، بیشتر قابل کنترل خواهد بود. به نظر می‌رسد کودکان هنوز در برابر ایده «تفکر مثبت» که در جامعه بزرگسالان مبدل به سنت پذیرفته شده اجتماعی گردیده، تسلیم نشده اند. این روزها شرایط به گونه‌ای شده که دیگر به زبان آوردن گرفتاری‌های مشروع قابل قبول نیست. وقتی شغلتان را از دست داده‌اید، بیمار هستید و یا دچار افسردگی شده‌اید، اطرافیان با شتاب سعی می‌کنند یک شیشه خوش‌بینی بر روی مصیبت بروز کرده قرار دهند. درحالی که حقیقتا نمی‌توان صحنه‌های ناراحت‌کننده مربوط به بدبختی انسان‌ها را در هر نقطه‌ای از جهان سانسور کرد. شاید کودکان نیز با مطالعه رویدادهای تاریک زندگی بطور غریزی درصدد فرا گرفتن نکاتی آموزنده در مورد غصه‌های دیگران هستند.

کفن و دفن، پرسودترین شغل ژاپن

واشنگتن پست- افزایش جمعیت سفیدموها، صنعت کفن‌ودفن را به یکی از حیاتی‌ترین تجارت‌های ژاپن بدل ساخته است. دورنمای دستیابی به حرفه‌ای پرسود و ایمن بسیاری از جوانان جویای کار را به سمت این صنعت ۱۴ میلیارد دلاری سوق داده است. نرخ پایین موالید و رکود اقتصادی که منجر به کاهش آمار ازدواج شده، حتی هتل‌ها را بر آن داشته تا اقدام به راه‌اندازی سرویس‌های تدفین و تشییع جنازه نمایند. حتی در این زمینه یکسری دوره‌های آموزشی برای افراد ۲۰ سال به بالا تدارک دیده شده که به آنان اصول مدیریت کفن و دفن را تعلیم می‌دهد. در این کلاس‌ها در مورد تاریخچه آداب و سنن خاک‌سپاری در ژاپن، نحوه تسلیت گفتن به خانواده‌های داغدیده، تشریفات تهیه گل، چگونگی پیچیدن جنازه و قراردادن آن درون تابوت آموزش داده می‌شود. آمارها حاکی از آن است که بسیاری از زنان و مردان حتی با ترک شغل قبلی خود درصدد برآمده‌اند جایی برای خود در این مجموعه دست و پا کنند. با آمار ۹۸۰ هزار نفری که سالانه در ژاپن می‌میرند، تجارت کفن و دفن ارزش سالانه‌ای معادل ۱۴/۱۵ میلیارد دلار پیدا کرده است. ژاپنی‌ها بطور متوسط مبلغ ۱/۵ میلیون ین برای دفن هر مرده به ماموران خاکسپاری می‌پردازند.

روبات‌هایی که از انسان‌ها تمیز داده نمی‌شوند

ای‌بی‌سی‌نیوز- ظرف ۱۰ سال آینده خانم‌ها از بار نظافت منزل و شستشوی ظروف و لباس‌ها راحت خواهند شد و می‌توانند کلیه امور داخلی خانه را به روبات‌های انسان‌نمایی واگذار کنند که بدون هیچ شکوه‌ای تمامی وظایف محوله را به نحو احسن انجام می‌دهند. اگر پیش‌بینی متخصصان تکنولوژی به واقعیت بپیوندد، نسل جدید روبات‌های پیشرفته فراگیرتر از نسل نخستین آنها خواهد بود که در دهه ۶۰ ظهور یافتند. طراحی این روبات‌ها با تقلید عینی از ظاهر و حرکات انسان صورت گرفته است. این مخلوقات انسان‌نما پوست و ماهیچه مصنوعی خواهند داشت، با صدای طبیعی سخن گفته و حتی قادر به برقراری ارتباط احساسی با حرکات چشم و چهره می‌باشند. آنها ممکن است درنقش یک خدمتکار روبوتیک یا ملازم سالمندان ظاهر گردند اما چشم‌های از حدقه درآمده و پوشش چون فضانوردان، آنان را برای انسان چون غریبه‌هایی مکانیکی جلوه می‌دهد و برای پذیرفته‌شدن باید ظاهری انسانی‌تر به آنها بخشیده شود. در این راستا درآینده‌ای نزدیک ایده‌ای که فقط در فیلم‌های علمی- تخیلی به تصویر کشیده شده، جامه عمل پوشیده و شاهد حضور ماشین‌هایی خواهیم بود که با هدف تعامل با انسان‌ها طراحی شده‌اند اما ظاهرشان به گونه‌ای است که شاید نتوان آنها را از بشر واقعی تمیز داد.

جدول کلمات متقاطع

۳۰۸۶

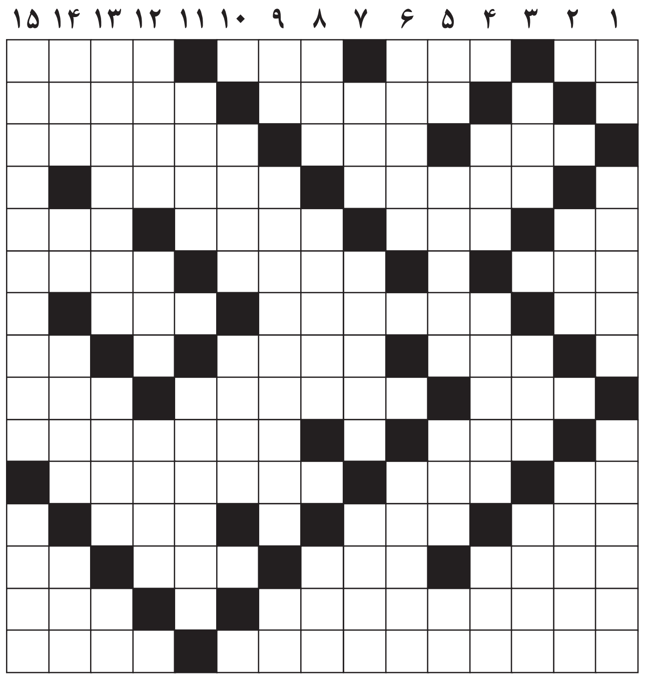

افقی

۱-باد سرد و سخت- پیرایش درخت- کشوربلقیس- پایتخت جمهوری غنا. ۲- نوعی شمشیر دو دم- ایوانش آینه عبرت خاقانی شد. ۳-از پرندگان شکاری- پدر تازی- مغناطیس. ۴-از گیاهان دارویی- فعال و پرکار. ۵-مادر عرب- واحد قوه الکتریک- گرفتار دشمن- عقاید و نظرات. ۶-بیماری عام چهارپایان- جنگ و مبارزه- میوه خون‌ساز. ۷-خودنمایی- از جزایر اسرارآمیز اقیانوس اطلس- اکسید کلسیم. ۸-بازداشتن و منع کردن- از نقاشان و هنرمندان دوره صفوی- شکل و هیئت. ۹-بی‌خبر از گرسنه- کشوری در جنوب شرق آسیا به مرکزیت هانوی- رنگ. ۱۰-عمارت بزرگ و عالی- ازگلهای منطقه گرمسیر. ۱۱-حرف مکرر- نمونه خروار است- نام دیگر جیحون. ۱۲-سخت مورد علاقه رامین- بهترین سودا- نشان و عدد. ۱۳-شهری در استان آذربایجان شرقی- مهمانی- خونبهاء- پاپوش. ۱۴-اولین زن فضانورد- کشوری در آمریکای جنوبی. ۱۵- کشور دوک نشین اروپایی- بهشت زیرپای اوست.

عمودی

۱-دریا- پنجمین سوره شریفه قرآن کریم- اجسام ذره‌بینی موجود در خون. ۲-گاهی اوقات دیوار هم دارد- لیوان شکسته. ۳-شتر قوی هیکل- خوب و خوش- عارف و پارسا. ۴-نویسنده شوخ طبع ایرلندی- سیاره مریخ- مخترع آلمانی دیفرانسیل اتومبیل. ۵-بندگی- در غیبت حضرت موسی(ع) مردم را به گوساله پرستی کشاند- تندخو و درشت- حرف فاصله. ۶-پرده‌داری و خدمت کعبه- بخش کردن. ۷-از رنگهاست- مایوس- چهارپایان. ۸-درخت آزادگی- دوام و پایندگی- از اتومبیل‌های ساخت وطن. ۹-میوه خوب- اثری از عطار نیشابوری- واحد سطح. ۱۰-محکم و استوار- برادر والده. ۱۱-بزرگتر- مرکز اسپانیا. ۱۲-ضعیف‌تر و پست‌تر- مهمتر- شهر زیتون اسپانیا. ۱۳-نام دیگر این مرغ چوبینه است- فرومایه-عضو دونده. ۱۴-شک و گمان- علامت مفعولی- جوشانده این گیاه برای امراض ریوی بکار می‌رود-عقل و هوش. ۱۵-اثری برجسته از «لئون تولستوی»- از صفات باریتعالی به معنی بسیار آمرزنده.

■ طراح جدول: محمد ابراهیم ممیز کوچصفهانی

حل جدول شماره ۳۰۸۵

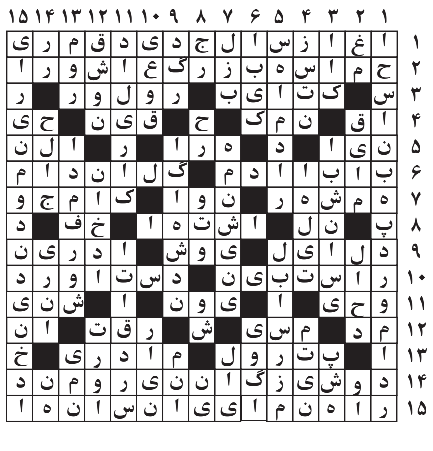

اولین و معتبرترین برگزار کننده دوره‌های آمادگی آزمونهای تحصیلات تکمیلی
کارشناسی ارشد
مهندسی عمران - مهندسی برق - مهندسی کامپیوتر - مهندسی مکانیک - معماری
مهندسی صنایع - اقتصاد - مدیریت - حسابداری - شیمی - ریاضی - هوا و فضا - MBA
پرستاری - مامایی - صنایع غذایی- مهندسی پزشکی (بیوالکتریک و بیومکانیک)
ویژه دانشجویان
دانشگاه آزاد
کلاسهای بازآموزی و تسلط - ۱۰ دوره آزمونهای طبقه‌بندی شده و جامع - پشتیبانی و مشاوره تخصصی
کاردانی به کارشناسی
مؤسسه علمی خانه نشر علوم
روابط عمومی: مشهد ۶۰۸۹۰۰۰-۶۰۸۳۰۷۰
خیابان راهنمایی - راهنمایی ۷ - شماره ۱۶

کانون فرهنگی آموزش مشهد
کنکور ۸۳
کاردانی به کارشناسی
برنامه‌ریزی درسی
کلاس های کنکور
آزمون های کشوری
مشاوره و پشتیبانی
کانون فرهنگی آموزش (قلم چی)
برای شرکت در جلسه برنامه ریزی تماس بگیرید
۸۴۳۳۵۴۵-۸۴۳۹۸۳۰-۸۴۱۷۴۰۰